**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**بررسی شیوه استنباطی مرحوم میرزا محمد نیشابوری اخباری**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و نهم\_19 بهمن 1398**

بزرگان شیعه از مجتهدین چه انفتاحی باشند، چه انسدادی، و چه آن مسلکی که ما به نام اضطرار از آن نام بردیم، بر یک نکته همگان متفق­اند و آن این است که باب علم به احکام شرعیه مسدود است. غالب احکام شرعی نمی توانیم بگوییم علم به آن داریم، پس حتی انفتاحیون اصطلاحی نیز در مورد باب علم قائل اند به انسداد. این ویژگی های بزرگان شیعه از مجتهدین و اصولیین.

اما در سخن بعضی از اخباریین، نکته­هایی دیده می شود که گویا باب علم هم مفتوح است. این که برخی از اخباریون روایات کتب اربعه را قطعی الصدور می دانند. قطعی الصدور یعنی علم. این معلوم می شود باب علم را مفتوح می دانند. یکی از این اخباریین مشهور، و سر سخت در مسلک اخباری گری مرحوم میرزا محمد نیشابوری اخباری است. متوفای 1232 هجری. گمانم در فتنه وهابیت.

ایشان چند کتاب دارد که نمی دانم این آقایان اخباریون موجود این کتاب ها را تجدید چاپ کردند یا نه، یک کتاب دارد به نام فتح الباب، که کتابی است در پی اثبات باز بودن علم به احکام است. ایشان در ابتدای کتاب 12 وجه را بیان می فرمایند برای اثبات انسداد باب علم، و همه را پاسخ می گویند، قطعا بحث ما بدون ملاحظه این فرمایش ناقص است. حال که بناست به بحث انسداد دقیق وارد شویم ببینیم این گروه از علمای شیعه چه می گویند.

خلاصه­اش در وجه اول اینکه:

ان القوم (قائلین به انسداد باب علم) قالوا که غیبت وجود مقدس حضرت ارواحنا لتراب مقدمه فداه و عجل الله تعالی فرجه باعث شده است که باب علوم و احکام منسد بشود. شما نباید زمان غیبت را با زمان حضور و ظهور یکسان بگیرید. به همین مقدار اکتفا می کند.

جواب می دهد به تعبیر بنده غیبت داریم تا غیبت. گاهی غیبت یک شخص معمولی است. پدر یک شخص خانواده مدتی غایب می­شود طبیعتا فرمان هایی از دست فرزندان غایب می شود اما غیبت شخص معروف، که انگیزه ها در حفظ علوم و میراث او فراوان است، تراث او مکتوب می شود، میراث او درس داده می شود، مجموعه ها تدوین می شود تا سخن او تنظیم شود. و سخن ابائهم الصادقین علیه السلام. این غیبت لا یسلتزم غیبةَ علومه. اینجا شخصش غایب است اما علوم او غایب نیست. موارد پایین تری از اشخاص بزرگ که قابل قیاس با وجود مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا فداه نیستند حرف هایشان را ضبط کردند در حالی که خودشان موردند ولی حرف هایشان هست. در عین حالی که در خیلی از این ها انگیزه برای این که این ها بماند خیلی نبوده است. چون مطلب از فرائض و حکم و احکام نبوده است از حلال و حرام نبوده است مانده است چه بماند غیبت چنین بزرگواری با پشتوانه تراث اجداد و آباء گرامش؛ قطعا این ها را بزرگان نگهداری کردند و بین مردم پخش بوده است؛ معَ انّ العنایة الاهیة فی حفظ شریعة المحمدیه و طریقة العلویه. و سنن المعصومیه و الحجج المهدیة و برکات ائمه الفاطمیه و دعوات النبیة ذریة علیه و علیهم السلام .. و وجوب اتمام الحجة و ایضاح المهجة علی رب البریة اوجب حفظها بلا مریة

می خواهد بگوید دو نکته را باید رعایت کنید:

1. عنایت خاص الهی به این مذهب، معنا ندارد خداوند به مذهبی عنایت خاص و ویژه داشته باشد بعد میراث آن مذهب را بگذارد از بین برود.
2. در علم کلام گفته اند که بر خداوند اتمام حجت لازم و واجب است. خدای حکیم باید راه را از چاه برای مردم بیان کند. مردم را در حیرت و سرگردانی قرار ندهد و این نمی شود الا به انفتاح باب علم.

بعد ایشان روایاتی را نقل می کند که بعضا ذیل آیات است، و از آن روایات می خواهد استفاده کند که هدایت الهس همیشگی است چه زمان حظور و چه غیر زمان غیبت. فالهما فجورها و تقواها. اما هدینا السبیل اما شاکرا واما کفورا و ما کان الله لیضل قوما بعد ان هداه. حتی یبین له ما یتقون. هدیناه النجدین، و اما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی.

در ذیل این آیات و در غیر ذیل این ایات روایاتی است که نا خداوند اتمام حجت نکندتکایفی از مردم نمی خواهد. زمان غیبت باید برای مردم اتمام حجت بیاورد.

12 روایت می اورد و بعد از این دوازده روایت در صفحه 7 می گوید:

و هذه اثنی عشر حدیثا مع نظائرها، الناصة و الظاهرُ المتظافرة المتکاثرة تدل علی ان طول غیبة الحجة ارواحنا الفدا لا یستلزم سد باب العلم علی الشیعه و الا لتبطل الحجج

بعد عباراتی را از ابن قبه نقل می کند می آید سراغ سید مرتضی است. فرمایشی را از سید مرتضی نقل می کند در رسائل جواب مسائل سید مرتضی ج 1 ص 26؛ گفته است و ان جا روایتی دارد که اکثر رویات ما امامیه معلوم است مقطوع الصحه هست، اما بتواترٍ او بعلامة و امارة دلت علی صحتها و صدق رواتها فهی موجبة للعلم، مقتضیة للقطع وان وجدنا ها مودعة فی الکتب بسند مخصوص من طریق الاحاد. اگر سید مرتضی می گوید عمل به خبر واحد نمی کنم نه این که به مشکل بر خورد چون تصریح می کند که معظم فقه به ضرورت مذهب به وسیله اخبار متواتره و یا اجماع امامیه فهمیده می شود. این خلاصه و توضیح وجه اول مع جوابه توسط ایشان.

عرضم به حضور شما قبل از این که سخن مرحوم اخباری را بررسی کنیم به بیان خودم فهم خودم را از فرمایش ایشان عرض کنم:

کسانی گفته­اند چون امام ارواحنا الفداء غایب است پس طبیعتا باب علوم بسته است و ما دسترسی به محضر آن حضرت نداریم. مرحوم اخباری می پذیرد که این مشکله در عصر غیبت هست و ان این که ما دسترسی به امام نداریم اما این باعث نشده است که حجت بر مردم اقامه نشود. باعث نشده است که باب علم حتی در عصر غیبت منسد بشود. خداوند متعال تدارک کرده است، درست است ما از فیوضاتی محروم هستیم اما این معنایش ان نیست که باب علم مسدود شده است.

چون اولا عقلا و نقلا تکلیف منوط به اتمام حجت است. خداوند باید هدایت کند. در همه زمان ها؛ غیبت و حضور ندارد اتفاقا در زمان غیبت باید یک راه های دیگری را قرار بدهد. که مردم گمراه نشوند، چون زمان حضور این مشکله نیست. صرف غیبت که باعث نمی شود اتمام حجت الهیه از بین برود. باید یک چیزی باشد.

ثانیا ما عملا که ملاحظه می کنیم می بینیم هم در عصر حضور ائمه علیهم السلام دواعی و انگیزه ها بوده است برای ثبت و ضبط احادیث چون در همان زمان حضور که همه مردم دسترسی به امام نداشتند باید علوم به ان ها منتقل بشود. کسانی باشند که یتفقه فی الدین. تدریس و تدرس بشود. حتی زمان حظور و نیز آیندگان از علوم اهل بیت علیهم السلام محروم نمانند نه تنها مردم زمان امام باقر و صادق علیهما السلام.

ونیز علماء ما در عصر غیبت صغری و غیبت کبری تمام کوشش و تلاش را داشتند که این تراث بماند چه از آباء گرام او و چه خود او. پس عملا اتمام حجت است. پس باید اولا خدا اتمام حجت بکند و ثانیا هم اتمام حجت صورت گرفته است.

ثالثا؛ این کتاب های اصلی روایی شیعه قطع آور است و مشکل را در زمان غیبت حل کرده است چون به قول بزرگانی مثل سید مرتضی ظاهرا این اخبار اخبار آحاد هستند باطنا علم به صدور داریم اما بالتبادر او بوجود قرائنی که دلالت بر صحت و صدور می کند. نتیجة الکلام اینکه در عین محروم ماندن از حضور امام حیرت و سرگردانی نیست . علوم به اندازه ایی که فقه شیعه نیاز دارد. باب علم در ان ها مفتوح است.

این برداشت من با توضیحات اضافی از وجه اول با جواب این بزرگوار.

نکته اولیه ایی که به عنوان تعلیقه به فرمایش مرحوم اخباری عرض می کنیم این است که بهتر ان است که بحث را مشخص و معیَّن و به نحو خارجی و مصداقی مطرح کنیم. نه یک بحث کلی و فرضی. به عبارة اخری بحث را کلامی نکنید، جواب مشکلات کلامی را خواهیم داد. بحث را تاریخی بکنید. آنی که الان هست چگونه است؟ ما در همین جلسات مستندا به کتاب هایی که ایشان و ما قبول داریم، نصوصی را آوردیم که دلالت داشت تعداد زیادی از کتب شیعه، از بین رفته است. تعداد بسیار زیادی از روایات ائمه هدی علیهم السلام از بین رفته است. یادتان باشد از رواتی مثل ابان یا محمد بن مسلم 30000 روایت است. کجاست این روایات؟ ما اینجا را نگاه کنیم اما این که چه باید باشد از نظر کلامی ان را بعد بحث می کنیم. تا جایی که ادم محتاطی مثل شیخ انصاری تصریح می کند روایاتی که از بین ما رفته است بیش از روایاتی است که در دست ماست. حال سوال ماست که چطور در چنین وضعی کسی ادعای علم می کند؟ چه طور با این همه فوت شدن از روایات و قرائن بگوییم باب علم مفتوح است. یا بیایید این ها را انکار کنید و بگویید احادیثی از بین نرفته است و یا اگر قابل انکار نیست دیگر ادعای علم جای طرح ندارد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.